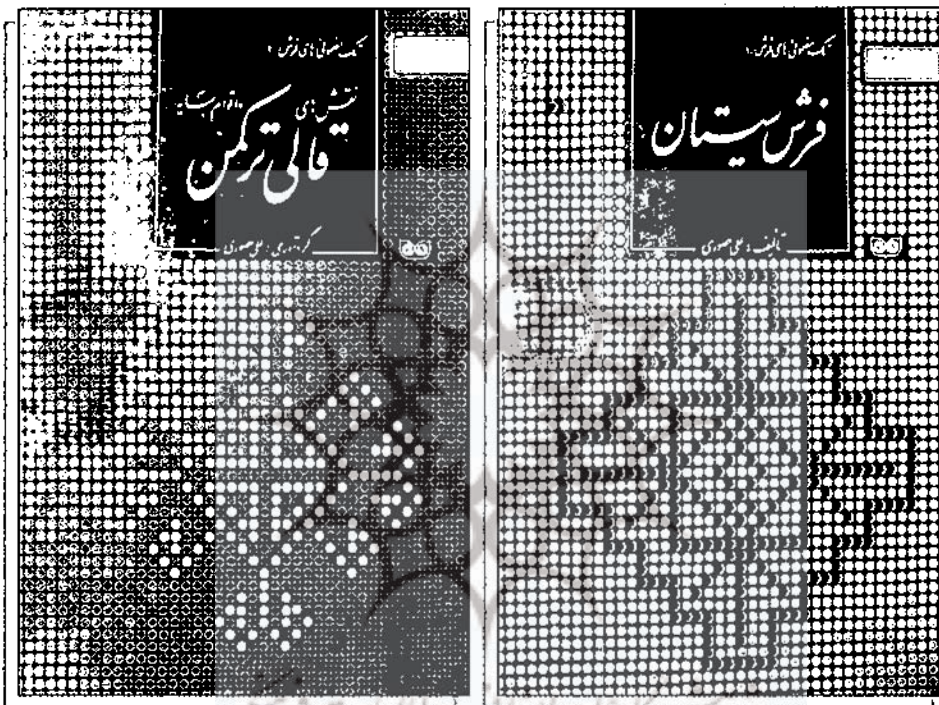


فرش ایرانی و جغرافیای یک فرهنگ

● دکتر علی حصوری
پژوهشگر و عضو کانون بین‌المللی
کارشناسان فرش مشرق زمین



فرش ایران در حوزه فرهنگ تاریخی ایران جای دارد، به طوری که تا ثبت در شرق، تا دریای مدیترانه در غرب، در بند قفقاز در شمال و جزایر فرهنگی ایران در جنوب خلیج فارس و دریای عمان، مثلاً در ناحیه گزار واقع در شمال کشور عمان و یمن در جنوب عربستان هنوز زنده و فعال است.

به عبارت دیگر - بدون توجه به مسایل و علایق ملی و میهنی - سنت‌های بافندگی در کشورهای کنونی ازبکستان، افغانستان، ترکمنستان، پاکستان، هند، تبت، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق، عربستان - و قبلاً در سوریه، لبنان و فلسطین - یکسره ایرانی است و فرش‌های هند، پاکستان، ترکمن، ترکیه، قفقاز، ارمنستان و... همه فرزندان سنت فرش باقی ایران هستند.

در مورد عده‌ای از این فرزندان اطلاعات تاریخی مشخصی به دست آورده‌ایم، مثلاً روشن است که فرش باقی هند در اواخر دوره ساسانی و با مهاجرت

لرستان، چهارمجال و بختیاری، بخش‌هایی از فارس تا کناره خلیج فارس، همه گره متقارن دارند و در شرق این منطقه یعنی خراسان، کرمان، کاشان، اصفهان و یزد، گره فارسی یا نامتقارن.

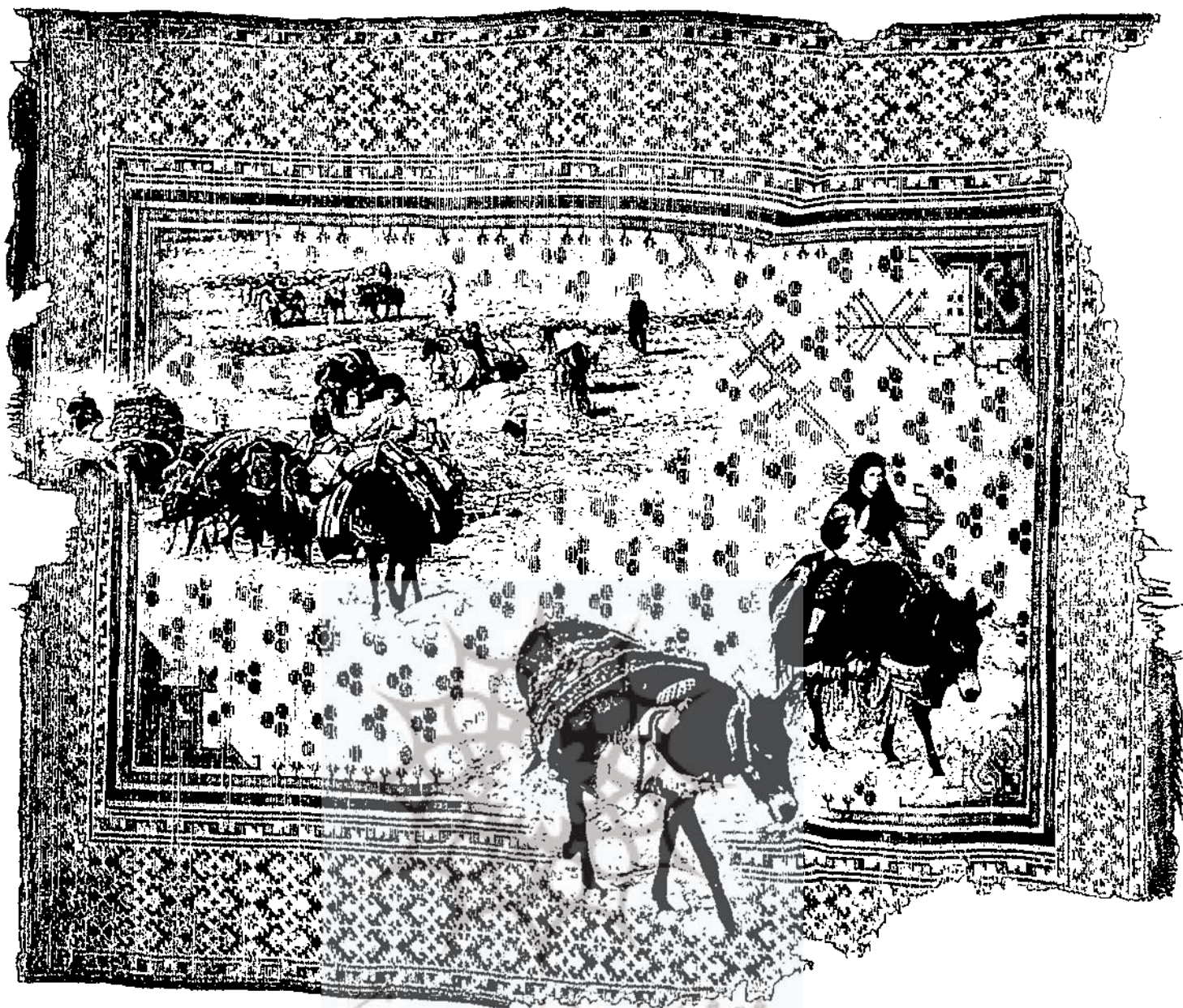
ابزارها و وسایل بافت هم چنین است. نوعی از دار یا دستگاه بافندگی که دار و کول نامیده می‌شود متعلق به غرب ایران است و اساساً در بین کردها و لرها مرسوم بوده و رو به زوال است و در عوض دار کمان دار تنها در مشرق ایران وجود دارد و به حیطة سنت غرب وارد نشده است. حتی گاهی در مواد رنگزا و دندانه‌ها (تثبیت‌کننده‌ها) نیز چنین است. در شرق ایران رنگ زرد را از اسپرک به دست می‌آوردند و در غرب از کما و گندل (شیرنگ). در شرق بیشتر با سولفات آهن رنگ را تثبیت می‌کردند و در غرب ایران با زاج سفید. چاقوی شرق قوسدار است و چاقوی غرب راست...

تحقیقات نویسنده در طی پانزده سال گذشته منجر به کشف این سنت‌ها گردید و روشن شد که فرهنگ

فرش ایرانی سنتی برحسب مواد اولیه، ابزارها و وسایل بافت، فنون بافت و نقشه‌های خود دارای شناسنامه مفصل و مشخصی است. مشخص بودن پشم گوسفندان، رنگ‌های گیاهی و طبیعی مرسوم در ایران، تنوع و در عین حال شناخته و مشخص بودن فنون بافت و بالاخره نقشه‌های ایرانی که همه منشاء مشخص دارند، به ما امکان داده است که جغرافیای این هنر - صنعت را مشخص کنیم.

می‌دانیم که فنون بافت فرش ایرانی سنتی هستند با سنت‌های بافت بسیار کهن، یعنی مثلاً فرش پازیریک که متعلق به قرن پنجم پیش از میلاد است با همان فنونی بافته شده است که اکنون در ملایر، نهاوند، همدان یا زنجان می‌بافند و نه مثلاً در خراسان یا حتی شمال شرق افغانستان. به این لحاظ پازیریک متعلق به سنت غرب ایران است. پازیریک گره متقارن دارد و گره متقارن سنت غرب ایران است. آذربایجان (از شمال قفقاز تا حدود زنجان) کردستان، زنجان، همدان،

کتاب ماه هنر ایراد و نهم ۱۳۷۹



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایرانیانی که یا از دست ساسانیان و یا از دست مسلمانان می‌گریختند به وجود آمد و موج‌های مهاجرت دیگر در سده‌های سوم، پنجم و هفتم و بالاخره کمک‌های ایران در دوره صفوی، در پیشبرد و گسترش آن تأثیر اساسی داشت، به حدی که امروزه نقشه‌های فرش هند تفاوت اساسی با نقشه‌های ایران ندارد و تنها عده‌ای عناصر بومی - مثل فیل و جانوران دیگر - در آن بیشتر به چشم می‌خورد.

باید توجه داشت که گاه در ظاهر بخشی از این فرش‌ها تفاوت اساسی با فرش‌های امروز ایران وجود دارد، مثل فرش ترکمن که نقشه‌های آن ویژه این قوم به نظر می‌آید، اما این تنها ظاهر موضوع است و بررسی تاریخی نشان می‌دهد که نقشه‌های ترکمن در نقطه تاریخی معینی از حرکت بازمانده و آن دوره پیش از تیموری است. نقشه‌های فرش ایران - و حتی نقشه‌های روستایی و عشایری - از دوره تیموری دستخوش تحولی مهم شده است، اما فرش‌هایی چند،

مثل ترکمن و بلوچی در همان دوره و گاه کهن‌تر باقی مانده است. گاهی عناصر بسیار کهنه‌ای مثل حاشیه کوفی در نقاط دیگر، از جمله در جمهوری آذربایجان باقی مانده است.

یکی از دلایل ایرانی بودن همه اینها، ایرانی بودن اصطلاحات فرش در همه این مناطق است. برای مثال واژه قالی / قالین / غالین اساساً یک واژه ساسانی است (Kalen) که در عده‌ای از گویش‌های ترکی به علت نداشتن صدای ق به صورت هالی یا هلی در آمده است، مثلاً در ترکیه.^۱ واژه گلیم نیز ایرانی و در همه غرب آسیا - گاه به صورت کیلیم، یکسان است. نام نقش‌ها هم چنین است. در ترکمنی فیل پای، مازک، گیره، تکینت (ترک‌بند)، گیجک (کجک = زلفین) خمتاز، (خمتاز)، شیرپنجه (شیرپنجه) و امثال آن اساساً فارسی است.^۲ در جمهوری آذربایجان هراتی، آتش پارا، بوتتا (آتش‌پاره و بته) چایدان، گودوش (گاودوش) توپانچا (تپانچه) فارسی و عده‌ای از اصطلاحات، مثل بالیخ

(ماهی) یل (راه) سو (آب) ترجمه است. گاه بر روی برخی از فرش‌ها عناصری مانده است که حتی در فرش‌های معمول امروز ایران هم نمانده است، مثل نقش «پارسی گول» (گل پارسی) در فرش ترکمن که شکل تاج شاهان ساسانی است. عناصری در این فرش‌ها وجود دارد که از فارسی فراموش شده مثل پودک، برکرک (برگ‌رگ) سگداغ، کچپه (کجاوه) گومبد (گنبد) زرقلقه و غیره که همه نام نقش‌های ترکمنی و اساساً ایرانی است.^۳

قابل توجه است که در ازبکستان به فرش جولی خیرس (چل خرس) می‌گویند (چل نوعی پلاس است و در مورد خرس توجه کنید به اصطلاح خرسک در فارسی برای فرش درشتباف)

بخشی از این فرهنگ در اثر قدمت قالی باقی ایران پدید آمده است. شواهد تاریخی حاکی از آن است که بافت فرش در دوره کهن سنگی در ایران پیدا شده و فرش‌گره‌دار (قالی) محصول آغاز دوره کشاورزی در

ORIENTAL RUGS

A Complete guide
by Murray L. Eiland and
Murray L. Eiland III
Laurence King Editions
London, 1998

فرش های شرقی



همچنین سعی شده است از ذکر مطالب غیر ضروری تا حد امکان اجتناب شود. بررسی تغییرات در هنر و صنعت فرش، تغییرات در روند تولید سنتی و احیا و تجدید طرح‌ها و روش‌ها و ویژگی‌های تولید محلی از نکاتی است که در این اثر به آن اشاره می‌شود.

از نکات جالب توجه، مطالبی است که از متون قرن نوزدهم گرفته شده و اطلاعاتی بی‌واسطه و ذی‌قیمت در مورد ماهیت تولید سنتی به دست می‌دهد. علاوه بر قالیچه، اطلاعاتی سودمند نیز درباره منسوجات، گلیم، نمذ و... ارائه می‌شود که می‌تواند منبع قابل توجهی در مورد منسوجات به شمار آید.

سرانجام اینکه توضیحات ارائه شده در مورد تصاویر و طرح و نقشه‌ها بر کیفیت کار کتاب افزوده است. در این اثر همچنین به یک قالیچه ترکمن از مجموعه (George & Marie Hecksher) اشاره شده (تصویر ۱۸۶) که به وضوح با نوعی از فرش‌های گلدار ایرانی قرن هجدهم و قالیچه‌های قفقازی اشتراکاتی دارد. یک فرش چینی مربوط به قرن هفدهم با تصاویر حیوانات اساطیری (تصویر ۳۰۴)، نمونه‌هایی مربوط به تبت (تصویر ۳۳۹)، و نمونه‌هایی از ناحیه مدیترانه و بالکان نیز آورده شده است.

کتاب در ۳۶۸ ص، با نقشه، تصاویر سیاه و سفید و جلد گالینگور منتشر شده است.

منبع:

International Carpet and Textile Review, 18

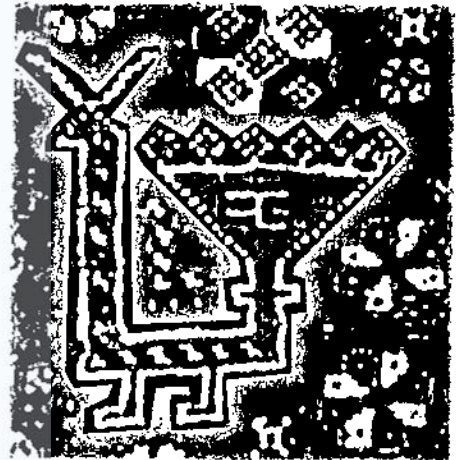
هر از چندی کتاب‌هایی در زمینه قالی و قالیچه به بازار نشر عرضه می‌شود. این کتاب‌ها کم و بیش از اطلاعاتی غنی برخوردار است، اما آنچه در این کتاب‌ها نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند، شکل، ساختار و زیبایی کتاب است. به طوری که معمولاً فصلی را به بافت قالی (Knotting of rugs) اختصاص داده و سپس به مهم‌ترین نواحی بافت قالیچه در شرق می‌پردازند. کتاب‌هایی از این دست در عین نکات مثبت، هرگز نمی‌توانند به حوزه بررسی و تحقیق چیزی اضافه نمایند و زیبایی‌شناسی کتاب پیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد.

کتاب حاضر، یک استثناست. این اثر اولین بار در سال ۱۹۷۳ با نام قالیچه‌های شرقی، راهنمایی جامع (Oriental rug, A Comprehensive Guide) به وسیله آیلند منتشر شد و چاپ حاضر با ویرایش جدیدی به بازار عرضه شده است. اگرچه چارچوب کتاب از قواعد معمول پیروی می‌کند، اما در هر صفحه اطلاعات با منابعی موثق ارائه می‌شود. موری آیلند (Murray Eiland) یکی از پیشروترین متخصصین در زمینه قالی است و از درک و تجربه بالایی برخوردار است. پسرش نیز که در رشته باستان‌شناسی تحصیل کرده است، تحقیقات خود را به صورتی روشمند در مورد قالیچه‌ها ارائه می‌دهد.

این کتاب یکی از بهترین متون در مورد قالیچه‌هاست که در چند سال گذشته به چاپ رسیده است. از متن روانی برخوردار بوده و می‌تواند حتی برای مبتدیان نیز راهنمای خوبی باشد.

ایران است.^۴ در عهد مفرغ فرش ایران رونق گرفت و ابزارهای فلزی یافت آن مشخص شد،^۵ طبیعی است که طی هزاران سال این صنعت بین اقوام مختلف ایرانی گسترش و تکامل یابد و اقوام همسایه آن را از ایرانیان تقلید کنند.

خوشبختانه نویسنده موفق شد که سنت‌های اساسی و فرزند را در ایران تحقیق کند،^۶ اما با اطلاعاتی که طی سال‌های اخیر از افغانستان، لاهور و کشمیر به دست آورده‌ایم، لازم است که در تمام کشورهای همسایه برای تکمیل و تأیید نظریات به دست آمده تحقیق کنیم که امیدواریم روزی یکی از سازمان‌های کشورمان چنین مطالعه‌ای را پشتیبانی کند. هم اکنون حتی وجوه اشتراکی بین فرش ارمنیان چهارم‌حال با فرش ارمنه ارمنستان، فرش قشقایی (که از قفقاز آمده‌اند) با فرش قفقاز و امثال آن یافته‌ایم، اما بی‌شک تحقیق محلی و دیدن موزه‌ها از نزدیک مسائل بیشتری را روشن خواهد کرد.^۷



پانوشته‌ها:

۱. حصوری، علی. «واژه قالی» در مجموعه سخنرانی‌های پنجمین کنفرانس بین‌المللی فرش ایران. تهران: مرکز توسعه صادرات ایران ۱۳۷۵ ص ۶۵ به بعد.
۲. حصوری، علی. نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه. تهران: انتشارات فرهنگان ۱۳۷۱، صفحات متعدد.
۳. نقش‌های قالی ترکمن... صفحات متعدد.
4. Hassouri, Ali. "The signs of carpet weaving during palaeolithic period."

مقاله ارائه شده به دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی ICOC میلان ۱۹۹۹، زیر چاپ.

۵. حصوری، علی. «ابزارهای قالی باقی ایران در عهد مفرغ تا هزاره اول میلادی» در نقش‌ها و دست‌ها، دوره جدید شماره ۱ (تابستان ۱۳۷۳) ص ۱۶ به بعد.

۶. از جمله در فرش سیستان. تهران: انتشارات فرهنگان، ۱۳۷۱، مقدمه.

۷. این یادآوری لازم است که عمده مسایل مذکور توسط نویسنده و به ویژه با پشتیبانی مالی انتشارات فرهنگان صورت گرفته است، گاهی اوقات سازمان‌هایی کمک‌های جزئی کرده‌اند.